

موضع سیاست جنایی اسلام در مسئله حجاب

علی محمدی جورکویه^۱

چکیده

یکی از مسائل بحث‌انگیز جامعه امروز، جایز بودن یا نبودن الزام به حجاب از سوی حکومت اسلامی است که موافقان و مخالفان درباره‌اش بسیار سخن گفته‌اند. اما به نظر می‌رسد فروکاستن مسئله حجاب به فقه کیفری شایسته نباشد، بلکه باید مسئله را به صورت جامع‌تری مطرح کرد. یعنی باید پرسید موضع سیاست جنایی اسلام در مسئله حجاب چگونه است تا در نتیجه، حدود اختیار و وظیفه حکومت و جامعه اسلامی در این مسئله روشن شود. این تحقیق به روش توصیفی تحلیلی با استفاده از منابع اسلامی و متون فقهی این مسئله را بررسی کرده و نتیجه گرفته است که سیاست جنایی اسلام در سه سطح پیش‌گیری اجتماعی، وضعی و کیفری به مسئله حجاب توجه کرده است و آحاد جامعه و نهادهای مدنی در کنار حکومت اسلامی، برای تبیین، ترویج و نهادینه‌سازی حجاب اسلامی در جامعه وظایفی دارند و حکومت اسلامی نیز در سطح پیش‌گیری کیفری، در صورت تحقق شروطی خاص حق جرم‌انگاری رعایت‌نکردن حجاب اسلامی را تحت رعایت مصلحت فرد و جامعه دارد.

کلیدواژه‌ها: حجاب، سیاست جنایی، پیش‌گیری اجتماعی، پیش‌گیری وضعی، پیش‌گیری کیفری.

مقدمه

یکی از مسائل بحث‌انگیزی که در این سال‌ها سبب شکل‌گیری گفت‌وگوهایی بین مسئولان امور فرهنگی جامعه از سویی، و صاحبان اندیشه و قلم از دیگر سو شده است، جایز بودن یا نبودن الزام حکومت به حجاب بوده است. در این خصوص نشست‌های علمی متعدد برگزار، و مقالات فراوانی نگاشته شده است. اما آنچه تا کنون در این نشست‌ها و نوشته‌ها مطالعه و بررسی شده، تمرکز بر روی الزام یا عدم الزام حکومت به حجاب بوده است و اینکه آیا حکومت مجاز به جرم‌انگاری بی‌حجابی است یا چنین اجازه‌ای ندارد. به نظر می‌رسد این شیوه بحث درباره وظیفه حکومت در قبال حجاب، یعنی تنزل دادن بحث جایز بودن یا نبودن دخالت در مسئله حجاب به سطح فقه و حقوق کیفری صحیح نیست، بلکه باید سطح بحث را ارتقا داد و مسئله را به گونه‌ای جامع مطرح کرد که آیا امکان ورود سیاست جنایی اسلام در مسئله حجاب وجود دارد یا خیر. به دیگر بیان، باید از موضع سیاست جنایی اسلام در مسئله حجاب سخن گفت. زیرا سیاست جنایی در مبارزه با بزه‌کاری راهبردهایش را در سه سطح پیش‌گیری اجتماعی، وضعی و کیفری سامان می‌دهد و همچنین، بزه در اینجا لزوماً به معنای جرم فقهی و حقوقی نیست، بلکه انحراف از هنجارها را نیز در بر می‌گیرد. افزون بر آن، ورود سیاست جنایی در این مسئله نیز به واکنش کیفری منحصر نیست. لذا مسئله ورود حکومت در موضوع حجاب، از سویی به واکنش کیفری محدود نیست و از دیگر سو، به جرم‌بودن بی‌حجابی منوط نیست. بر این اساس، باید نوع نگاه به مسئله را تغییر داد و پرسید بر اساس منابع

^۱. استادیار گروه فقه و حقوق، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران mohammadi@iict.ac.ir

و اسناد دینی امکان ورود سیاست جنایی اسلام در سطوح پیش‌گیری اجتماعی، وضعی و کیفری در مسئله بی‌حجابی وجود دارد یا خیر.

از این‌رو، در این نوشتار این پرسش را که «موضع سیاست جنایی اسلام در قبال مسئله حجاب چیست؟» به بحث خواهیم گذاشت و با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و مراجعه به منابع اسلامی، متون فقهی و مواد قانونی، بحث را در سه مرحله پیش‌گیری اجتماعی، پیش‌گیری وضعی و پیش‌گیری کیفری مطرح می‌کنیم.

۱. پیش‌گیری اجتماعی از بی‌حجابی

پیش‌گیری اجتماعی (Social Prevention) یعنی ایجاد آمادگی در آحاد جامعه برای ایستادگی در برابر وسوسه نقض ارزش‌ها و مبارزه با عوامل جرم‌زا از طریق آموزش، تربیت، برچیدن زمینه‌های مناسب بروز جرم، رفع معضلات فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و ... که شامل همه افراد جامعه می‌شود و عمومی است و به آن «پیش‌گیری اولیه» نیز گفته می‌شود. چون مخاطب سیاست جنایی اسلام در راهبردهای اجتماعی افراد، نهادهای مدنی و حاکمیت است (نک: محمدی جورکویه، ۱۳۹۵: ۳۲۷-۳۳۳)، افراد، نهادهای مدنی و حاکمیت همگی وظیفه دارند برای تبیین و ترویج حجاب در ابعاد مختلفش بکوشند، از کوشش در بیان حکم و فلسفه و رفع شبهات مربوط به آن گرفته تا تسهیل رعایتش در جامعه، رفع موانع از سر راهش، تشویق به آن و ... از این‌رو، در این بخش از سیاست جنایی اسلام همگان، اعم از جامعه و حکومت، موظف به ورود در مسئله حجاب‌اند.

سیاست جنایی اسلام در مبارزه با تمامی جرایم و ناهنجاری‌ها، به‌ویژه بی‌حجابی، پیش‌گیری اجتماعی را بر دیگر انواع پیش‌گیری مقدم می‌دارد. از این‌رو، راهبرد نخست سیاست جنایی اسلام در این مسئله، تبیین حکم حجاب به معنای واجب‌کردن آن همراه بیان فلسفه این حکم است تا افراد جامعه با پی‌بردن به ضرورت و فواید حجاب و آسیب‌های بی‌حجابی، آن را رعایت کنند و حتی افرادی هم که به حجاب ایمان ندارند آن را برای دستیابی به منافعش و در امان ماندن از آسیب‌های بی‌حجابی بپذیرند. این راهبرد به‌روشنی در آیات و روایات مربوط به حجاب دیده می‌شود.

۱.۱. استفاده درست از جلباب

یکی از آیات تبیین‌کننده حکم حجاب آیه ۵۹ احزاب است که خداوند در آن خطاب به پیامبر (ص) می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزَوِّجَكُ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يَعْرِفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛ ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمن بگو: «جلباب‌ها [روسری‌های بلند] خود را بر خویش فرو افکنند، این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است [و اگر تا کنون خطا و کوتاهی از آنها سر زده توبه کنند] خداوند همواره آمرزنده رحیم است (احزاب: ۵۹).

با توجه به معنای لغوی «جلباب» و «جلب»، برخی آن را پوشاننده سر و سینه، و برخی دیگر پوشش از روی سر تا بالای زانو دانسته‌اند (جزری، ۱۳۶۷: ۲۸۳/۱). «یدنین» نیز به معنای نزدیک‌کردن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۱۹؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۵۵/۳) یا بلندگرفتن (طریحی، ۱۳۷۵: ۱۴۸/۱) است. بر این اساس، جمله «يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ

جَلَابِيهِنَّ» یعنی اطراف «جلباب» (پیراهن) را به هم نزدیک کنند، به گونه‌ای که بدنشان از لای درزش پیدا نشود یا «جلباب» را بلند بگیرند، به گونه‌ای که از سر تا زانویشان را بپوشاند. لذا این آیه با بیان جمله خبری (که در ابلاغ دستور رساتر از جمله امری است) پوشش خاص و شرعی را بر زنان مسلمان واجب می‌شمرد.

این آیه فقط به بیان حکم شرعی حجاب اکتفا نمی‌کند، بلکه در ادامه، هدف از این حکم را نیز تبیین می‌کند: «ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفَ أَفَلَا يُؤْذِنَ»، یعنی دستور به زنان برای رعایت حجاب به دلیل این است که آنها از تعرض در امان بمانند. زیرا نوع پوشش زن، خواسته یا ناخواسته، پیامی را به بینندگان منتقل می‌کند و این پیام می‌تواند منع‌کننده بینندگان از طمع در اذیت و آزار او باشد، چنان‌که می‌تواند ترغیب‌کننده آنها به آزار و اذیت وی باشد. باید توجه داشت که دریافت هر کدام از این پیام‌ها، تابع نیت و میل درونی زن نیست، یعنی قضاوت و برداشت بیننده از وضعیت پوشش زن مستقل از این است که زن از پوشش خود چه قصدی دارد. صرف نظر از اینکه آیا زن صرفاً این نوع پوشش را دوست دارد یا با این نوع پوشش احساس راحتی تری دارد یا قصد دارد خودش را به دیگران عرضه کند، بیننده دآوری خود را خواهد داشت و بر همان اساس ممکن است درباره زن تصمیمی بگیرد. لذا اگر زنی پوشش لازم را نداشته باشد ممکن است مردانی چنین برداشتی داشته باشند که وی با این پوشش تمایل دارد مردان را به سوی خودش جذب کند و بر اساس همین تلقی، حتی اگر نادرست باشد، متعرض او می‌شوند و برعکس، چنانچه زنی مواضع زینت و زیبایی‌اش را بپوشاند، پیامش به بینندگان این است که با طمع مردان به خود مخالف است و صرف انتقال هر کدام از این دو پیام موجب وسوسه شدن مردان به سمت زنان یا خودداری از تعرض به زن خواهد شد. نکته بسیار ظریف در همین بخش از آیه که می‌تواند پاسخ پرسش بعضی‌ها نیز باشد، این است که خداوند فرمود اگر زنان مؤمن حجاب را رعایت کنند به آنها تعرض نمی‌شود، بلکه فرمود این روش نزدیک‌تر به این است که به آنها تعرض نشود. بنابراین، کسی اشکال نکند که به زنان باحجاب نیز گاهی تعرض می‌شود، زیرا خداوند فرمود در صورت رعایت حجاب، احتمال اینکه به زنان تعرض شود کمتر است، نه اینکه به زنان باحجاب تعرض نمی‌شود. به دیگر بیان، انتخاب حجاب از طرف زنان مؤمن اقدامی پیش‌گیرانه است برای اینکه بزه‌دیده جنسی واقع نشوند. هرچند ممکن است بزه‌کارانی این سد مقاومت را بشکنند که در تمامی نمونه‌های پیش‌گیری چنین احتمالی وجود دارد.

۲.۱. افکندن خمار بر گردن و سینه

آیه دیگری که در بردارنده حکم حجاب است آیه ۳۱ سوره نور است که خداوند در آن بعد از موظف کردن زنان مؤمن به فروگرفتن دیدگانشان از نگاه هوس‌آلود و حفظ پاکدامنی، فرموده است: «وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ؛ و زینت خود را، جز آن مقدار که نمایان است، آشکار نمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند [تا گردن و سینه با آن پوشانده شود] و زینت خود را آشکار نسازند» (نور: ۳۱). زینت به دو نوع زینت ظاهر و باطن (پنهان) تقسیم می‌شود. زینت ظاهر شامل صورت، کف دستان و پاها، سرمه چشمان، حنای کف دست و پا، و انگشتر است. مراد از زینت پنهان، زیورآلاتی مانند خلخال

(پابند زینتی)، دستبند (و النگو) و گوشواره است و البته منظور از ممنوعیت آشکارکردن آنها، ممنوعیت آشکارکردن مواضع آنها از بدن مانند مچ پا و دست و گوش است (نک: طوسی، بی تا: ۴۲۹/۷؛ طبرسی، ۱۴۱۲: ۱۰۳/۳-۱۰۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۱۷/۷؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۱۱/۱۵) که آیه خطاب به زن‌ها می‌فرماید زینت باطنی خود را نزد نامحرم آشکار نکنید.

«خُمَر» جمع خِمار است که بر پوشاندن دلالت دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲۱۵/۲) و آن لباس معروفی نزد زنان است (جزری، ۱۳۶۷: ۴۴/۳). اهل لغت در معنای «لِفَاع» گفته‌اند: «خِماری است برای زن که با آن سر و سینه‌اش را می‌پوشاند» (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۴۶/۲) و زن بدون لباس یعنی زنی که خِماری بر او نیست (ابن عباد، ۱۴۱۴: ۱۰۲/۲). وقتی گفته می‌شود «خَمَرَتْ بِرَأْسِهَا» یعنی زن سرش را پوشاند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۵۷/۴). لذا راغب اصفهانی می‌گوید: ««خَمَر» در اصل به معنای پوشاندن چیزی است و به آنچه با آن چیزی پوشانده می‌شود «خِمَار» گفته می‌شود، لیکن این کلمه در عرف اسم شده برای آنچه زن با آن سرش را می‌پوشاند و جمع آن «خُمَر» است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۹۸). «جُبُوب» نیز جمع «جَبِيب» است و «جیب القميص» یعنی آن قسمت باز پیراهن که نزدیک گلو است (فیومی، ۱۴۱۴: ۱۱۵/۲) و به تعبیر دیگر، یعنی گردن پیراهن (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۹۰/۱). بنابراین، «خِمَار» جامه‌ای است مانند مقنعه که زن سر، گریبان و سینه‌اش را با آن می‌پوشاند.

بر این اساس، آیه ۳۱ سوره نور در خطاب به زنان مؤمن با نهی از آشکارکردن زینت باطنی (پنهانی) و مواضعش، و امر به پوشاندن سر، گردن و گریبان به روشنی بر وجوب حجاب بر زنان و حدود آن دلالت دارد. در تفسیر این آیه روایت فضیل بن یسار از امام صادق (ع) نیز برای تبیین بحث مفید است. فضیل می‌گوید از امام پرسیدم آیا ذراع (ساعد) دست‌ها جزء زینتی است که خداوند فرمود: «زنان زینت خود را آشکار نکنند مگر برای شوهران؟». امام فرمود: «آری، و آنچه زیر روسری و آنچه زیر دستبندها است، جزء زینت است (که باید پوشانده شوند)». از نظر سندی این روایت صحیح (شبییری زنجانی، ۱۴۱۹: ۵۱۶/۲) است و کاملاً می‌توان به آن اعتماد کرد و دلالتش نیز بر لزوم پوشاندن موی سر و دست‌ها تا مچ روشن است، زیرا مناسب‌ترین معنای «دون» در عبارت «مَا دُونَ الْخِمَارِ» در روایت، معنای «تحت و زیر» است (همان: ۵۳۸) و معنای روایت چنین می‌شود: آنچه زیر خِمَار است، یعنی سر و مو، و آنچه زیر دستبندها است، یعنی مچ دست‌ها و بالاتر از آن، جزء زینت است و باید از نامحرم پوشانده شود. خداوند در این آیه و آیه قبل نمی‌فرماید زنان از خِمَار استفاده کنند یا به زنان بگو از «جلباب» استفاده کنند، بلکه می‌فرماید این خِماری را که زنان استفاده می‌کنند به گونه‌ای باشد که گردن و گریبانشان را بپوشاند، یا به زنان بگو این جلبابی را که استفاده می‌کنید اطرافش را به هم نزدیک کنید تا حجاب شما حجاب شرعی شود. به دیگر بیان، استفاده از خِمَار و جلباب به عنوان حجاب و پوشش سر، بین زنان رایج بوده است و شارع می‌خواهد آن را کامل و درست استفاده کنند.

۱.۳. حفظ سلامت روابط اجتماعی

یکی از اهداف حکم حجاب، حفظ سلامت روابط اجتماعی زن و مرد و آلوده‌نشدن آن به جاذبه‌های جنسی است که خداوند در آیه ۳۳ سوره احزاب می‌فرماید: «وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرَجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى؛ و همچون دوران جاهلیت نخستین

[در میان مردم] ظاهر نشوید» (احزاب: ۳۳). انسان فطرتاً موجودی اجتماعی است و سازندگی و بالندگی اش در گرو سلامت زندگی اجتماعی او است. یکی از ابعاد زندگی اجتماعی انسان، روابط بین زن و مرد است. لذا برای اینکه روابط اجتماعی این دو جنس، از اهدافش دور نشود و به جای سازنده و بالنده بودن، مخرب و ویرانگر نشود، باید در حد روابط اجتماعی باقی بماند. از این رو، این روابط باید تابع مقرراتی باشد که یکی از آن مقررات رعایت حجاب است که خداوند در آیه مذکور به این هدف از حجاب اشاره دارد. مفسران گفته‌اند «تبرج» یعنی زن زیبایی‌هایش و آنچه را پوشاندنش بر او واجب است، آشکار کند (نک: طبری، ۱۴۱۲: ۲۲۲/۱۸؛ طوسی، بی تا: ۴۶۱/۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۶۹/۷). بر این اساس، گفته شده در تبرج اراده‌ای جدی و نوعی تعمد از سوی زن برای خودنمایی، حتی علی‌رغم حجاب ظاهری، وجود دارد مانند پوشیدن لباس چسبان به گونه‌ای که برجستگی اعضا مشخص شود و مانند جلب توجه مردان نامحرم؛ از این رو، برخی آن را به تکلف در اظهار آنچه مخفی نگه‌داشتنش واجب است، تعریف کرده‌اند (سابق، ۱۳۹۱: ۲۰۹/۲؛ کاشانی، ۱۴۱۵: ۴۴۸/۳). بنابراین، یکی از حکمت‌های حجاب این است که وقتی زنان در جامعه حضور می‌یابند، در صدد آشکارکردن زینت و زیبایی‌هایشان نباشند و روابط اجتماعی را به جاذبه جنسی خود درنیامیزند تا روابط اجتماعی از امور جنسی به دور ماند و سلامت متاثر نشود. زیرا آلوده کردن روابط اجتماعی به امور جنسی آسیب‌های فراوانی همچون فروپاشی خانواده، هدر دادن استعدادها و فساد نظام اداری را در پی دارد. لذا قرآن در آیه ۶۰ سوره احزاب درباره استثنای زنان سال‌خورده از حکم حجاب نیز تصریح دارد که این استثنا در صورتی است که آنها در صدد خودنمایی برنیابند.

نکته ظریف در آیه مذکور این است که خداوند در بخش پایانی آیه می‌فرماید باز هم اگر این زنان سال‌خورده (که از حکم حجاب معاف شده‌اند) در صدد عفت‌ورزی باشند (حجابشان را رعایت کنند و تبرج نکنند) برایشان بهتر است؛ خدا از رعایت حجاب و تبرج‌نکردن به عفت‌ورزی تعبیر می‌کند. به دیگر بیان، بین رعایت حجاب و تبرج‌نکردن با عفت‌ورزی رابطه مستقیم برقرار می‌کند. از این رو، امام رضا (ع) ضمن پاسخ به سؤالاتی، در بیان فلسفه حجاب فرموده‌اند: «نگاه کردن به موی سر زنان متأهل و غیرمتأهل و دیگر زیبایی‌هایشان حرام شد؛ زیرا این نگاه سبب تحریک مردان و منجر به فساد و ورود در محرمات می‌شود (صدوق، ۱۳۸۵: ۱-۵۶۵/۲). بر همین اساس، در آیه ۳۰ و ۳۱ سوره نور به مردان و زنان مؤمن دستور داده شد که در مقابل نامحرم «غض بصر» داشته باشند، یعنی نگاهشان را فرو گیرند و میدان دیدشان را کاهش دهند (نک: مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱: ۴۳۷/۱۴). قرآن در ادامه، در بیان فلسفه این دستور می‌فرماید: «ذَلِكْ لِكَيْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ فِي الْفِتْنَةِ حَسْبٌ» (نور: ۳۰)، یعنی سلامت روابطشان را بهتر و بیشتر تأمین می‌کند. خلاصه اینکه، قرآن یکی از فلسفه‌های تشریح حجاب را حفظ سلامت روابط اجتماعی زن و مرد از طریق آلوده‌نشدن این روابط به جاذبه‌های جنسی بیان می‌کند تا افراد جامعه را که خواهان حفظ سلامت روابط اجتماعی (به عنوان یکی از ضروریات زندگی اجتماعی) هستند به رعایت حجاب ترغیب کند.

۱.۴. حفظ پاکی دل‌ها

فلسفه دیگری که قرآن برای تشریح حجاب بیان می‌کند حفظ پاکی دل است که در آیه ۵۳ سوره احزاب آمده است: «وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ؛ و هنگامی که چیزی از وسایل زندگی را [به عنوان عاریه] از آنان [همسران پیامبر] می‌خواهید، از پشت پرده بخواهید. این کار برای پاکی دل‌های شما و آنها بهتر است» (احزاب: ۵۳). ارتباط اجتماعی با زن نامحرم بدون حجاب ممکن است بر اثر وسوسه‌های شیطانی به شکل‌گیری برخی از افکار ناشایست بینجامد و مفسده به بار آورد. از این رو، خداوند می‌فرماید ارتباط با رعایت حجاب برای حفظ پاکی قلب شما و آنها بهتر است. این اثر حجاب به زنان پیامبر و مردان مراجعه‌کننده به آنها اختصاص ندارد، بلکه خبر از حقیقت است که شامل ارتباط هر زن و مرد نامحرمی می‌شود. چنان‌که در آیه ۳۲ سوره احزاب نیز می‌فرماید: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ؛ پس در گفتار خود، نرمی و طنازی نداشته باشید تا کسی که بیمار دل است طمع نکند» (احزاب: ۳۲)، یعنی میل به روابط ناسالم نشانه سالم‌نبودن قلب است و از هر آنچه آلودگی قلب را به دنبال داشته باشد یا به تشدیدش دامن بزند باید پرهیز کرد. لذا روابط زن و مرد نامحرم باید به گونه‌ای باشد که سبب طهارت و سلامت قلب شود و از میل قلب به آلودگی پیش‌گیری شود یا این میل تشدید نشود. بر همین اساس، قرآن حجاب را واجب کرده، و چون بیشترین واردات در قلب از ناحیه دیدگان است، خداوند همراه دستور حفظ حجاب به زنان، در آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور به مردان و زنان دستور می‌دهد نگاه از نامحرم بگیرند تا نکند بر اثر نگاهی، طهارت قلب مخدوش شود. به دیگر بیان، این دو دستور (حفظ حجاب و نگاه) در محافظت از پاکی قلب مکمل یکدیگر است تا منشأ رفتار ناشایست و پلید نشود. قرآن کریم با تبیین چنین فلسفه‌ای از تشریح حجاب در صدد ایجاد اقناع وجدانی در مخاطبش برای رعایت حجاب برآمده است.

۲. پیش‌گیری وضعی

پیش‌گیری وضعی (Situation Prevention) یعنی تغییر وضعیت و اوضاع و احوال به گونه‌ای که از به فعلیت درآمدن اندیشه مجرمانه جلوگیری شود، مثل آموزش افراد در مظان بزه‌دیدگی برای محافظت از خود، حضور نیروی انتظامی در مناطق جرم‌خیز، سخت‌کردن ارتکاب جرم و افزایش هزینه ارتکاب آن.

سیاست جنایی اسلام در گام دوم برای رعایت حجاب در جامعه و مبارزه با بی‌حجابی از پیش‌گیری وضعی بهره برده است. یکی از نهادهای طراحی شده در سیاست جنایی اسلام برای مبارزه با بزه‌کاری و ناهنجاری، نهاد امر به معروف و نهی از منکر است که آیات و روایات فراوانی بر تشریح این نهاد دلالت دارد (نک: آل‌عمران: ۱۱۰؛ توبه: ۷۱؛ حج: ۴۱)، مثل آیه ۱۰۴ سوره آل‌عمران: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آنها همان رستگاران‌اند» (آل‌عمران: ۱۰۴). بر اساس این آیه، افراد جامعه موظف‌اند برای اجرای حکم حجاب و جلوگیری از بی‌حجابی، اقدام عملی انجام دهند. همچنین، آیه ۴۱ سوره حج می‌فرماید: «الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي

الأرض أقاموا الصلاة و آتوا الزكاة و أمروا بالمعروف و نهوا عن المنكر و لله عاقبة الأمور؛ همان کسانی که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، و پایان همه کارها از آن خدا است!» (حج: ۴۱). در تفسیر قمی به نقل ابی‌جارود از امام باقر (ع) در بیان مراد از «الذین» آمده است: «مراد از «الذین» حضرت مهدی (ع) و یارانش هستند که خداوند آنها را بر مشارق و مغارب زمین مسلط، و دین را پیروز می‌سازد و به وسیله او و یارانش بدعت‌های باطل را نابود می‌کند تا جایی که اثری از ستم نماند، همان‌طوری که کم‌خردان حق را نابود کردند» (قمی، ۱۳۶۳: ۸۷/۲). چنان‌که مفسران گفته‌اند این روایت کامل‌ترین مصداق آیه را بیان کرده است، و گرنه مخاطب آیه همه مردم و حاکمان مؤمن‌اند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱: ۱۲۲/۱۴). به بیان دیگر، این وظیفه همه حاکمان اسلامی است کما اینکه وظیفه جامعه اسلامی هم هست.

از دیگر سو، بر اساس آنچه در بحث از پیش‌گیری اجتماعی گفتیم، حجاب از واجبات دین اسلام و معروف است، و ترکش منکر محسوب می‌شود. از این رو، مشمول نهاد امر به معروف و نهی از منکر است. در نتیجه، جامعه و حاکم اسلامی موظف به تبیین، تبلیغ و امر به حجاب و نهی از ترک حجاب هستند و چون امر به معروف و نهی از منکر سه مرحله دارد (قلبی، زبانی و عملی/یدی) (نک: نجفی، ۱۴۰۴: ۳۷۸/۲۱)، مرحله اول و دوم آن وظیفه جامعه و حاکم اسلامی است. اما مرحله سوم (عملی) دو قسم می‌شود: ممانعت عملی از منکر، و مجازات کیفری مرتکب منکر. چنان‌که برخی تصریح کرده‌اند (نک: موسوی خمینی، ۱۳۹۲ الف: ۴۷۹/۱) ممانعت عملی از منکر مانند اینکه وسیله خطرناک یا حرام را از دست فرد گرفتن یا حتی محصور کردن فرد در مکانی. این نوع از اقدام عملی به اذن حاکم نیاز ندارد، اما اقدام عملی از نوع ضرب و جرح به نظر اشهر، بلکه مشهور فقهی به اجازه حاکم نیاز دارد (نک: نجفی، ۱۴۰۴: ۳۸۳/۲۱؛ موسوی خمینی، ۱۳۹۲ الف: ۴۸۰/۱). لذا قسم نخست از مرحله سوم نیز بین جامعه و حاکم مشترک است و فقط قسم دوم به حاکمیت اختصاص دارد.

بنابراین، بر اساس ادله امر به معروف و نهی از منکر، جامعه و حاکم اسلامی وظیفه دارند حجاب را به عنوان معروف برای افراد جامعه تبیین کنند تا آن را بپذیرند و رعایت کنند، و موظف‌اند به عنوان پیش‌گیری وضعی از طرق مختلف نیز مانع بی‌حجابی شوند، مانند اینکه از جابه‌جایی خانمی بی‌حجاب به عنوان مسافر خودداری شود، یا افراد از فروش اجناس به او یا ورودش به مغازه‌شان ممانعت کنند یا او را از ورود به ادارات دولتی منع، یا از استخدامش خودداری کنند.

۳. پیش‌گیری کیفری

سطح سوم پیش‌گیری از بزه در سیاست جنایی اسلام، پیش‌گیری کیفری (Criminal Prevention) است. پیش‌گیری کیفری یعنی جرم‌انگاری، وضع و به کار بستن اقدامات کیفری در قبال افرادی که از سد پیش‌گیری اجتماعی و وضعی عبور کرده‌اند، با هدف پیش‌گیری عام (انصراف بزه‌کاران بالقوه و عبرت‌پذیری‌شان) و پیش‌گیری خاص (ایجاد تنبه و پشیمانی در بزه‌کار و بازداشتن او از تکرار فعل مجرمانه).

۳. ۱. امکان ورود سیاست جنایی اسلام در مسئله حجاب در سطح پیش‌گیری کیفی

درباره امکان این موضوع می‌توان به ادله زیر استناد کرد:

۳. ۱. ۱. قاعده «التعزیر لکل عمل محرم»

یکی از ادله امکان جرم‌انگاری رعایت‌نکردن حجاب قاعده «التعزیر لکل عمل محرم» است. این از قواعدی است که از روایات اصطیاد شده است. برخی از روایات مستند این قاعده، روایاتی است که محدثان تحت عنوان «باب ان کل من خالف الشرع فعلیه حدّ أو تعزیر» (نک: حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۴/۲۸) جمع‌آوری کرده‌اند، از جمله روایت صحیح علی بن رباط از امام صادق (ع) از رسول خدا (ص): «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ حَدًّا وَجَعَلَ عَلَيَّ مِنْ تَعَدِّي حَدًّا مِنْ حُدُودِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَدًّا؛ خداوند عز و جل برای هر چیزی حدی (مقررات و قواعدی) قرار داده است و برای کسی که از یکی از مقررات خداوند تجاوز کند، مجازاتی قرار داده است» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۷۴/۷). این مجازات می‌تواند «حد» به معنای مجازات معین شرعی باشد و می‌تواند مجازات غیرمعین باشد که به دست حاکم اسلامی است؛ فقها نیز به عموم این روایات استناد کرده‌اند (نک: حلی، ۱۴۲۰: ۲۳۹/۲۸؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۴۴۸/۴۱).

دسته دوم از مستندات این قاعده روایات خاص‌اند، روایاتی که با جمله خبریه دلالت بر تعزیر دارند (نک: حر عاملی، ۱۴۰۹: ۳۶۶/۲۸ به بعد) و روایاتی که حکایت از تعزیر به دست معصوم دارند (نک: همان: ۳۷۰/۲۸ به بعد). در مجموع، این قاعده نزد فقها مقبول است و قدما شهرت و عدم خلاف در آن را مطرح کرده‌اند (ابن‌زهره، ۱۴۱۷: ۴۳۵). نجفی نیز می‌گوید: «از نظر نص و فتوا هیچ اشکالی و خلافی در این قاعده وجود ندارد» (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۴۹/۴۱). خویی نیز این قاعده را فی‌الجمله دارای شهرت عظیم می‌داند (خویی، ۱۴۱۸: ۴۰۸/۴۱).
درباره قلمرو این قاعده چند دیدگاه مطرح است:

۱. برخی از فقها مانند طوسی معتقدند ارتکاب هر عمل حرام، یا ترک هر واجبی تعزیر دارد (طوسی، ۱۳۸۷: ۶۹/۸).
 ۲. بعضی از فقها مانند نجفی معتقدند ارتکاب هر عمل حرام یا ترک هر واجبی، به شرط اینکه از کبائر باشد، تعزیر دارد (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۴۸/۴۱).
 ۳. عده‌ای از فقها معتقدند تعزیر در جایی است که مرتکب حرام با نهی، از آن کار دست برندارد و قصد تکرار داشته باشد (اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۴۵/۱۰).
 ۴. گروهی از فقها نیز معتقدند تعزیر در مواقعی است که ارتکاب حرام مفسده اجتماعی داشته باشد و مصلحت عموم، تعزیر را اقتضا کند (صافی گلپایگانی، بی‌تا: ۱۱۵-۱۱۶).
- بنا بر هر کدام از این دیدگاه‌ها، حاکم اسلامی می‌تواند رعایت‌نکردن حجاب را جرم‌انگاری کند. نهایت اینکه طبق دیدگاه دوم، سوم و چهارم این جرم‌انگاری مشروط به شرط مذکور است.

۳. ۱. ۲. ادله امر به معروف و نهی از منکر

چنان‌که در بحث از نهاد امر به معروف و نهی از منکر در پیش‌گیری وضعی گفتیم، مرحله عملی (سوم) امر معروف و نهی از منکر دو قسم می‌شود: ممانعت عملی از منکر و مجازات مرتکب منکر که این مجازات به دست حاکم

اسلامی است. از این رو، به جهت معروف بودن حجاب و منکر بودن بی‌حجابی، حاکم اسلامی می‌تواند از باب مرحله سوم و عملی امر به معروف و نهی از منکر با بی‌حجابی مقابله کند.

۲.۳. سیاست کیفری در مبارزه با پدیده رعایت نکردن حجاب

از بخش‌های مهم، دقیق و ظریف این بحث ضرورت کیفرگذاری، و در صورت وجود ضرورت، چگونگی کیفرگذاری درباره بی‌حجابی است، زیرا اگرچه برابر قاعده «التعزیر لکل عمل محرم» حاکم بنا بر مبنایش می‌تواند درباره رعایت نکردن حجاب جرم‌انگاری کند، اما برابر قاعده «التعزیر بما یراه الحاکم من المصلحه» کیفرگذاری به دست حاکم باید بر اساس مصلحت فرد و جامعه باشد. به دیگر بیان، حاکم در این باره باید نهایت مطالعه، بررسی و دقت را به کار بندد تا واکنش مناسب و مفید به حال فرد بزه‌کار و جامعه را برگزیند، زیرا چنان‌که فقها بررسی کرده‌اند (نک: طوسی، ۱۳۸۷، ۶۶/۸، ابن فهد حلی، ۱۴۰۷: ۷۳/۵؛ حلی، ۱۴۲۰: ۲۳۹) و چنان‌که مقتضای قاعده، روایات و سیره معصومان است (نک: کلینی، ۱۴۰۷: ۱۴۲/۱۴، ۱۹۳ و ۱۹۵) تعزیر طیف وسیعی از واکنش‌ها را (از نصیحت، پند و اندرز و توبیخ ساده گرفته تا مجازات‌های مالی و بدنی) در بر می‌گیرد و یکی از مبانی مهم قرارداددن نوع، میزان و کیفیت تعزیر در اختیار حاکم این است که حاکم این امکان را داشته باشد تا با توجه به بزه ارتكابی، مرتکب بزه، وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی، آثار رفتار بزه‌کار در جامعه، اثر نوع تعزیر بر بزه‌کار و ...، واکنشی متناسب با هر بزه، موقعیت و فرد را برگزیند تا بتواند آن هدف والای سیاست جنایی اسلام، یعنی اصلاح فرد و جامعه، را محقق کند.

یکی از وجوه توجیه جرم‌انگاری رعایت نکردن حجاب آثار نامطلوب بی‌حجابی در جامعه است، زیرا بی‌حجابی می‌تواند آسیب‌هایی را متوجه فضای اجتماعی جامعه کند و محیط کار و آموزش را به رفتارهای منافی عفت آلوده سازد و آسیب‌های فردی و اجتماعی، از جمله بزه‌دیدگی زنان، را به دنبال داشته باشد، چنان‌که قرآن کریم در تشریح حجاب با نهی از «تبرج» به حفظ سلامت روابط اجتماعی زن و مرد و آلوده نشدن این روابط به جاذبه‌های جنسی توجه کرده است که بحثش گذشت.

۳.۳. ارزیابی مقررات کیفری درباره رعایت نکردن حجاب

قانون‌گذار در مقررات کیفری ایران در فصل جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی قانون تعزیرات ۱۳۷۵، تبصره ماده ۶۳۸ را به این مسئله اختصاص داده و مقرر کرده زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دو ماه، یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد. در این تبصره دو مجازات برای رعایت نکردن حجاب در نظر گرفته شده است: حبس و جزای نقدی که قاضی در حکم به هر یک اختیار دارد. اما مقنن در راستای سیاست کاهش مجازات حبس و پرهیز از آسیب‌های حبس کوتاه‌مدت، با تصویب «قانون وصول برخی از درآمدهای دولت» در ۱۳۷۳/۸/۲۸ موضعش را در این باره اصلاح کرد. زیرا بر اساس بند یک ماده سه این قانون، هر گاه در قوانین حداکثر مجازات حبس کمتر از ۹۱ روز باشد، دادگاه به جای حبس به جزای نقدی از هفتاد هزار و یک ریال تا یک میلیون ریال حکم می‌دهد که این تبدیل مجازات حبس به جزای نقدی برابر رأی وحدت رویه شماره ۶۲۴ مورخ ۱۳۷۸/۹/۹ الزامی است. در ادامه این روند، مقنن در ۱۳۹۲ نیز سیاست

کیفری‌اش را درباره حبس‌های کوتاه‌مدت تغییر داد و طبق ماده ۶۵ ق.م.ا. ۱۳۹۲ تبدیل مجازات حبس در جرایم عمدی‌ای که حداکثر مجازات قانونی‌شان سه ماه حبس است به مجازات‌های جایگزین حبس (دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی) را الزامی کرد. لذا نه تنها مجازات حبس مذکور در ماده ۶۳۸ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ باید تبدیل شود، بلکه طبق تبصره ماده ۶۴ ق.م.ا. ۱۳۹۲ دادگاه می‌تواند با رعایت سنخیت و تناسب، مجازات حبس را حداکثر به دو نوع از انواع پنج‌گانه جایگزین‌های پیش‌بینی‌شده در ماده ۶۴ ق.م.ا. تبدیل کند که یکی از آنها محرومیت از حقوق اجتماعی است که مصادیقش در ماده ۲۶ ق.م.ا. بیان شده است.

می‌توان از این تغییر سیاست مقنن ارزیابی مثبتی داشت، اما مشکلی که درباره تبصره ماده ۶۳۸ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ وجود دارد در خصوص مراد از تعبیر «حجاب شرعی» در این تبصره است. قانون‌گذار، «حجاب شرعی» را تعریف نکرده است. از این‌رو، برابر اصل ۱۶۷ قانون اساسی برای به دست آوردن مراد قانون‌گذار از این اصطلاح باید به منابع معتبر اسلامی و فتاوی معتبر مراجعه کرد. بر اساس دیدگاه اتفاقی فقهای امامیه، حجاب شرعی زنان عبارت است از پوشاندن تمام جسم به غیر از گردی صورت و کف دستان (نک: ابن فهد حلی، ۱۴۰۷: ۱۰۱/۲؛ حلی، ۱۴۱۲: ۲۳۶/۱؛ اردبیلی، ۱۳۷۹: ۱۰۴/۲؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۸۶/۲۹؛ موسوی خمینی، ۱۳۹۲ الف: ۲۴۳/۲-۲۴۴)؛ حتی از نظر برخی فقها، اگر صورت و کف دستان آرایش و زیور داشته باشد، پوشاندن آن قسمت‌ها نیز لازم است (نک: موسوی خمینی، ۱۳۹۲ ب: ۲۵۶/۳؛ تبریزی، ۱۳۸۵: ۱۶۳/۲). با این تعریف از حجاب شرعی و مفاد تبصره ماده ۶۳۸ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ باید هر زنی را که از روی عمد حجاب شرعی با این مفهوم را رعایت نکند تعقیب، محاکمه و مجازات کرد که چنین کارهایی در عمل ممکن نیست، و به مصلحت فرد و جامعه نخواهد بود، زیرا جمع‌کثیری از زنان به هر دلیلی حجاب شرعی را رعایت نمی‌کنند یا مقداری از موی سرشان یا مقداری از ساعدشان یا پیشان پوشیده نیست و چنان‌که پیش‌تر گفته شد، حتی اگر حاکم در این مواقع مجاز به تعزیر باشد، در جرم‌انگاری و کیفرگذاری باید مصلحت فرد و جامعه را در نظر بگیرد. از این‌رو، تبصره ماده ۶۳۸ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ باید بر اساس مصلحت فرد و جامعه به گونه‌ای اصلاح شود که قابلیت اجرا داشته باشد. لذا مسلماً نقض مقررات حجاب از طرف چند گروه از زنان باید جرم‌انگاری شود:

الف. زنانی که به قصد مقابله با حجاب، مقررات مربوط به حجاب را نقض می‌کنند، سزاوار تعقیب کیفری‌اند و در این صورت محذور قبلی پیش نمی‌آید. زیرا اکثر زنانی که حجاب شرعی را رعایت نمی‌کنند، اگرچه از روی عمد مقررات حجاب را رعایت نمی‌کنند، این رعایت‌نکردن از روی بی‌حوصلگی یا سختی و اموری از این قبیل است نه به قصد مقابله با حجاب.

ب. زنانی که بدون پوشش سر و گردن یا با لباسی در ملاء عام ظاهر می‌شوند که دست یا پیشان پوشیده نیست یا پوشش آن قدر نازک است که بدن از زیرش نمایان است و مانند آن.

نتیجه

بر اساس مبانی و منابع اسلامی درباره حجاب، حاکم و جامعه اسلامی، اعم از فرد و نهادهای مدنی، درباره تبیین حجاب در سه سطح پیش‌گیری اجتماعی، پیش‌گیری وضعی و پیش‌گیری کیفری وظیفه‌ای بر دوش دارند. در سطح پیش‌گیری اجتماعی، حکومت و جامعه باید حکم و جوب حجاب و فلسفه‌اش را برای مخاطب حکم حجاب تبیین کنند؛ در سطح پیش‌گیری وضعی، حکومت و جامعه موظف‌اند با تدابیری مانع از وقوع بی‌حجابی شوند؛ در سطح پیش‌گیری کیفری، حکومت مجاز به مقابله با بی‌حجابی است و حاکمیت با لحاظ مصلحت فرد و جامعه می‌تواند بی‌حجابی را تحت شروطی دقیق جرم‌انگاری و کیفرگذاری کند. اما در این خصوص باید راهبردهای پیش‌گیری اجتماعی و وضعی بر راهبردهای سیاست کیفری مقدم شود. همچنین، مقررات کیفری فعلی به دلیل رعایت‌نکردن شاخصه‌های جرم‌انگاری و کیفرگذاری تعزیری در مسئله بی‌حجابی ناکارآمد است و باید اصلاح شود.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی..
- ابن زهره، حمزه بن علی (۱۴۱۷). *غنیة النزوع*، قم: مؤسسه الامام الصادق (ع).
- ابن عباد، اسماعیل (۱۴۱۴). *المحیط فی اللغة*، بیروت: عالم الكتاب، الطبعة الاولى.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴). *معجم مقاییس اللغة*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، الطبعة الاولى.
- ابن فهد حلی، احمد بن محمد (۱۴۰۷). *المهذب البارع*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). *لسان العرب*، بیروت: دار الفکر، دار صادر، الطبعة الثالثة.
- ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی (۱۳۸۵). *علل الشرائع*، قم: کتاب‌فروشی داوری.
- اردبیلی، احمد بن محمد مقدس (۱۳۷۹). *مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الازهان*، قم: جامعه مدرسین، چاپ سوم.
- تبریزی، میرزا جواد (۱۳۸۵). *استفتائات جدید*، قم: سرور، چاپ اول.
- جزری، مبارک بن محمد بن اثیر (۱۳۶۷). *النهاية فی غریب الحدیث والأثر*، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل‌البتیت (ع)، الطبعة الاولى.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴). *تاج العروس*، بیروت: دار الفکر، الطبعة الاولى.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۲). *منتهی المطلب*، مشهد: آستانه الرضویه المقدسه.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰). *تحریر الاحکام*، قم: مؤسسه الامام الصادق (ع)، الطبعة الاولى.
- حلی، نجم‌الدین ابی‌القاسم (۱۴۰۷). *المعتبر فی شرح المختصر*، قم: مؤسسه سید الشهداء، الطبعة الاولى.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸). *موسوعه الإمام الخوئی*، قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی، الطبعة الاولى.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، دمشق: دار القلم، الدار الشامیة، الطبعة الاولى.
- سابق، سید (۱۳۹۱). *فقه السنه*، بیروت: دار الكتاب العربی، الطبعة الاولى.
- شیبیری زنجانی، سید موسی (۱۴۱۹). *کتاب نکاح*، قم: مؤسسه پژوهشی رای‌پرداز، چاپ اول.
- صافی گلپایگانی، لطف‌الله (بی‌تا). *التعزیر: احکامه و حدوده*، بی‌جا: بی‌نا.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۰). *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، الطبعة الثانية.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصرخسرو، چاپ سوم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲). *تفسیر جوامع الجامع*، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲). *جامع البیان عن تأویل آیات القرآن*، بیروت: دار المعرفة، الطبعة الاولى.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*، تهران: مرتضوی، الطبعة الثالثة.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). *المبسوط فی فقه الإمامیه*، تهران: المکتبه المرتضویه، الطبعة الثالثة.
- طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). *کتاب العین*، قم: هجرت، الطبعة الثانية.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴). *المصباح المنیر*، قم: مؤسسه دار الهجرة، الطبعة الثانية.

- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). تفسیر القمی، قم: دار الکتب، الطبعة الثالثة.
- کاشانی، ملاحسن (۱۴۱۵). تفسیر الصافی، تهران: صدر.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیة، الطبعة الرابعة.
- محمدی جورکویه، علی (۱۳۹۵). بررسی جرم‌شناختی جرایم جنسی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
- مصطفوی، سید حسن (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- مکارم شیرازی، ناصر؛ و همکاران (۱۳۷۱). تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیة، چاپ دهم.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۹۲ الف). تحریر الوسيلة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۹۲ ب). استفتائات، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی، الطبعة السابعة.

@iictchannel